

پیش‌بینی «حرمت خود فرزندان» براساس

«سبک‌های فرزندپروری والدین» و «پایبندی مذهبی مادران»

زهرا کاویانی*

مسعود جان‌بزرگی**

داود تقوائی***

چکیده

هدف پژوهش، پیش‌بینی «حرمت خود کودکان» براساس «فرزندپروری والدین» و «پایبندی مذهبی مادران» بود؛ از کلاس‌های چهارم و پنجم ابتدایی شهر قم، ۳۵۰ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند که به «مقیاس عزت نفس» روزنبرگ (۱۹۶۵) و مادرانشان، به پرسشنامه‌های «پایبندی مذهبی» جان‌بزرگی (۱۳۸۸) و «سبک فرزندپروری» بامریند (۱۹۷۳) پاسخ دادند. تجزیه و تحلیل داده‌ها، از طریق همبستگی و تحلیل مسیر، نشان داد که «فرزندپروری مقتدرانه»، «حرمت خود» فرزندان را افزایش داده ولی «فرزندپروری سخت‌گیرانه و سهل‌گیرانه»، اثر معناداری بر «حرمت خود» فرزندان نداشته‌اند. «پایبندی مذهبی» مادران، «حرمت خود» فرزندان را افزایش داده و «دوسوگرایی مذهبی» و «ناپایبندی مذهبی مادران» آن را کاهش داده است. این دو متغیر براساس الگوی تحلیل مسیر به‌طور غیرمستقیم بر سبک فرزندپروری و از آن راه بر حرمت خود فرزندان تأثیر دارد. با توجه به معناداری این الگو، می‌توان این دو متغیر را در سطح علی برای متغیر وابسته تبیین کرد. بنابراین میزان پایبندی مذهبی به‌عنوان متغیر مثبت و دوسوگرایی مذهبی به‌عنوان متغیر منفی، سبک فرزندپروری را متأثر و بدین ترتیب حرمت خود کودکان را ارتقا یا تقلیل می‌دهد.

واژگان کلیدی: فرزندپروری، حرمت خود، پایبندی مذهبی، ناپایبندی مذهبی، دوسوگرایی

مذهبی، آموزش و پرورش.

مقدمه

بیشتر روان‌شناسان بر اهمیت دوران کودکی در شکل‌گیری شخصیت و خمیرمایه‌های روانی فرد تأکید دارند. در این میان روان‌تحلیل‌گران معتقدند افراد به‌طور روزمره تحت تأثیر خاطرات دوران کودکی هستند (جان‌بزرگی و نوری، ۱۳۹۴). فروید تجربیات کودکی را به قدری مهم می‌دانست که اظهار داشت: شخصیت بزرگسالی در ۵-۶ سالگی به‌طور جدی شکل می‌گیرد و متبلور می‌شود (شولتز و شولتز، ۱۳۹۲).

از جمله امور مهم در دوران کودکی، برخی از ویژگی‌های روان‌شناختی است که می‌توانند روان‌بنه‌های کودک را شکل بدهند؛ مانند «حرمت خود» که با مقداری مسامحه از آن به «عزت نفس» تعبیر می‌شود. راجرز حرمت خود را ارزیابی مداوم شخص از ارزشمندی خویش خود یا نوعی قضاوت نسبت به ارزشمندی وجودی خود تعریف کرده است. او معتقد است این صفت در انسان حالت عمومی دارد و محدود و زودگذر نیست و در اثر نیاز به توجه مثبت دیگران به وجود می‌آید (نقل از شاملو، ۱۳۹۲).

نتایج برخی از پژوهش‌ها بیانگر این است که اگر نیاز انسان‌ها به حرمت خود ارضا نشود، نیازهای گسترده‌تری مانند نیاز به خودشکوفایی، پیشرفت یا درک از استعدادها بالقوه محدود می‌ماند (باعزت و صالح صدق‌پور، ۱۳۸۷)؛ از سویی خانواده یکی از عوامل اساسی شکل‌گیری شخصیت کودک و نخستین بذر تکوین رشد فردی او و پایه و اساس بنای شخصیت آدمی است. تردیدی نیست که خانواده اثری عمیق و پایدار در پی‌ریزی رفتار فردی کودک و برانگیختن روح زندگی و آرامش درونی دارد. براساس نظریه بامریند، جو عاطفی خانواده و سبک‌های فرزندپروری والدین می‌تواند نقش مهمی در رشد و پرورش همه جانبه فرزندان داشته باشد (لطف آبادی، ۱۳۸۰).

فرزندپروری به رفتارهای ویژه‌ای گفته می‌شود که جداگانه یا در تعامل با یکدیگر بر رشد کودک تأثیر می‌گذارد؛ در واقع شیوه فرزندپروری مبین تلاش‌های والدین برای مهار کودکانشان است (وینسلر، ۲۰۰۵). بامریند سه سبک فرزندپروری را با عناوین زیر شناسایی کرده است: ۱. اقتدارگرا؛ در این شیوه محبت و مهار والدین نسبت به فرزندان زیاد است؛ ۲. استبدادی؛ والدین مستبد نسبت به فرزندان خود محبت کمتر و مهار زیادتری دارند؛ ۳. آزادگذار؛ والدین آزادگذار نسبت به فرزندان خود کنترل کمتری دارند و محبتشان نسبت به آنها بسیار زیاد است (به نقل از ماندارا، ۲۰۱۰).

شیوه‌های فرزندپروری والدین، تحت تأثیر عوامل گوناگونی قرار دارد که یکی از این عوامل، مذهبی بودن و دینداری والدین است. مذهبی بودن والدین، نظام عملی مبتنی بر اعتقادات در قلمرو فردی و اجتماعی است که بدون شک در سبک‌های فرزندپروری آنها تأثیر می‌گذارد؛ زیرا فرزندان از والدین الگو می‌گیرند و رعایت اصول دینی می‌تواند نگاه کودکان را به زندگی و مسائل

مذهبی تغییر دهد (رئیس‌ان زاده، ۱۳۸۹). همان‌طور که یونگ گفته است، باورها و آیین‌های مذهبی دست‌کم از لحاظ روش بهداشت روانی اهمیت خاصی دارند، یونگ همچنین می‌افزاید که اعتقادات مذهبی، به صورتی کامل‌تر از نظریه‌های علمی، روح انسان را منعکس می‌کند، چون نظریه علمی تنها معترف و مبین قسمت خودآگاه است (علم‌الهدی و میری، ۱۳۹۵).

تحقیقات انجام شده نشان می‌دهد که تربیت دینی توسط خانواده‌ها، نقش اساسی در سلامت روان و سازگاری اجتماعی فرزندان دارد. همچنین پژوهش‌ها در زمینه مذاهب بزرگ دینی نشان می‌دهد که مذهبی بودن والدین با سازگاری فرزندان آنها، به‌ویژه در سنین تحول رابطه معناداری دارد (برنستاین و دیگران، ۲۰۱۷). کیم و دیگران به این نتیجه دست یافتند که عمل به باورهای دینی با هیجان‌ها و عواطف مثبت مانند خوش‌خلقی، شادکامی، مهربانی، اعتماد به نفس، توجه و آرامش، رابطه مثبت دارند (همان).

فراوانی حضور والدین (پدر و مادر جداگانه یا باهم) با شیوه فرزندپروری مثبت و سازگاران، بازخوردهای مطلوب نسبت به والدگری، ابراز گرمی و روابط مثبت با فرزندان رابطه دارد (بارتکوسکی،^۱ زیو،^۲ ولدین،^۳ ۲۰۰۸؛ دی ماریس^۴ و دیگران، ۲۰۱۱؛ دولا هیته،^۵ ۱۹۹۸؛ دیوریز^۶ و دیگران، ۲۰۰۹؛ پارک^۷ و بونر، ۲۰۰۸) از سویی برخی فراتحلیل‌ها از رابطه مثبت شیوه فرزندپروری مقتدرانه و دینداری والدین حکایت می‌کند (ماهونی،^۸ پارگامنت و دیگران، ۲۰۰۸، شنایدر^۹ و دیگران، ۲۰۰۴).

از سویی قرآن و پیشوایان دین مبین اسلام، رهنمودهای فراوانی در مورد تربیت فرزندان ارائه کرده‌اند؛ آنان الگوی رفتاری همراه با اعمال قدرت را نادرست دانسته‌اند؛ امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) می‌فرماید: «انسان به حکم اینکه انسان است و دارای اندیشه است، از راه پند و ارز و ادب شایسته تربیت می‌شود، نه با زورگویی و تنبیه بدنی». همچنین آن حضرت (علیه السلام) در مورد تربیت و اصلاح فرزندان می‌فرماید: «هنگامی که کودک و نوجوانی را به سبب رفتار نابهنجارش نکوهش می‌کنی، مراقب باش که ویژگی‌های مثبت او را نادیده نگیری و او را از تمام جهات مورد اعتراض و توبیخ

1. Bartkowski
2. Xu
3. Veldin
4. Demaris
5. Dollahite
6. Dvriez
7. Park
8. Mahony
9. Snider

قرار ندهی، تا او احساس نکند طرد شده است؛ زیرا این احساس موجب می‌شود در رفتارش لجاجت و سماجت به خرج دهد» (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴).

با توجه به آنچه بیان شد به نظر می‌رسد پایبندی مذهبی می‌تواند قواعد سبک فرزندپروری را تحت تأثیر قرار دهد؛ در واقع این پژوهش به دنبال پیگیری این مسئله است که افراد پایبند به مذهب که می‌کوشند همه رفتارهای خود را براساس مذهب تنظیم کنند، در برابر افرادی که هیچ تعمدی برای رفتار خود براساس اصول یا دستورالعمل‌های مذهبی ندارند و ناپایبند به مذهب هستند و حتی افرادی که همواره در حالت تردید مذهبی به سر می‌برند؛ یعنی بین کردار و گفتارشان ناهماهنگی وجود دارد و به عبارتی دچار دوسوگرایی مذهبی هستند، تا چه اندازه می‌توانند بدین وسیله حرمت خود فرزندانشان را پیش‌بینی کنند؟ از سویی دیگر سبک‌های فرزندپروری تا چه اندازه حرمت خود فرزندان را پیش‌بینی می‌کنند؟ و اینکه به صورت علمی ارتباط میان سبک‌های فرزندپروری و عوامل پایبندی مذهبی چیست و در کنار هم چه پیش‌بینی از حرمت خود فرزندان ارائه می‌دهند؟

روش پژوهش

در این پژوهش با استفاده از روش پیمایش میدانی به بررسی موضوع پرداخته و جامعه آماری آن تمامی کودکان پایه‌های چهارم و پنجم دبستان‌های شهر قم بودند که با استفاده از روش چندمرحله‌ای طبقه‌بندی شده از هر منطقه شهر دو مدرسه دخترانه و پسرانه و سپس از هر مدرسه که معمولاً دو یا چند کلاس چهارم و پنجم داشتند، دو کلاس چهارم و پنجم به صورت تصادفی انتخاب شدند و در نهایت ۳۵۰ دانش‌آموز برای نمونه مورد آزمون قرار گرفتند.

برای سنجش حرمت خود، آزمون روزنبرگ (۱۹۶۵)، و برای پایبندی مذهبی، آزمون پایبندی مذهبی جان‌بزرگی (۱۳۸۸) و برای سبک فرزندپروری، مقیاس فرزندپروری، بامریند (۱۹۷۳) بر کودکان مذکور و مادران آنها اجرا شده است.

تحلیل داده‌ها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل مسیر انجام شده است تا معناداری ارتباط هر یک از عوامل پایبندی مذهبی و سبک‌های فرزندپروری با حرمت خود سنجیده شود. سرانجام با استفاده از تحلیل مسیر، مدل تأثیرگذاری متغیرها بر حرمت خود نمایش داده شده است.

یافته‌های پژوهش

جدول ۱: همبستگی بین حرمت خود کودکان با پایبندی مذهبی و عوامل آن

ناپایبندی مذهبی	دوسویه‌گرایی مذهبی	پایبندی مذهبی	حرمت	
-۰/۱۵۱ ^{**}	-۰/۱۹۶ ^{**}	۰/۱۹۰ ^{**}	۱	ضریب همبستگی پیرسون
۰/۰۰۵	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰		سطح معناداری
** همبستگی در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار است.				

داده‌های جدول فوق بیانگر همبستگی مستقیم حرمت خود با پایبندی مذهبی مادران و همبستگی معکوس حرمت خود با ناپایبندی مذهبی و دوسوگرایی مذهبی می‌باشد.

جدول ۲: همبستگی بین حرمت خود کودکان و سبک فرزندپروری

مقتدرانه	سخت‌گیرانه	سهل‌گیرانه	حرمت	
۰/۱۳۰ [*]	-۰/۰۷۱	۰/۰۰۲	۱	ضریب همبستگی پیرسون
۰/۰۱۵	۰/۱۸۸	۰/۹۷۵		سطح معناداری
* همبستگی در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است.				
** همبستگی در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار است.				

این جدول بیانگر همبستگی مستقیم حرمت خود فرزندان با سبک فرزندپروری مقتدرانه و عدم همبستگی معنادار حرمت خود با سبک‌های فرزندپروری سخت‌گیرانه و سهل‌گیرانه است.

جدول ۳: همبستگی بین عوامل پایبندی مذهبی و سبک‌های فرزندپروری

ناپایبندی مذهبی	دوسوگرایی مذهبی	پایبندی مذهبی		
۰/۲۹۷ ^{**}	۰/۰۸۴	-۰/۱۱۴ ^{**}	ضریب همبستگی پیرسون	سهل‌گیرانه
۰/۰۰۰	۰/۱۱۵	۰/۰۳۳	سطح معنی‌داری	
۰/۴۰۸ ^{**}	۰/۲۶۹ ^{**}	-۰/۰۳۴	ضریب همبستگی پیرسون	سخت‌گیرانه
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۵۳۰	سطح معناداری	
-۰/۲۸۹ ^{**}	-۰/۱۸۱ ^{**}	۰/۳۸۰ ^{**}	ضریب همبستگی پیرسون	مقتدرانه
۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	سطح معناداری	

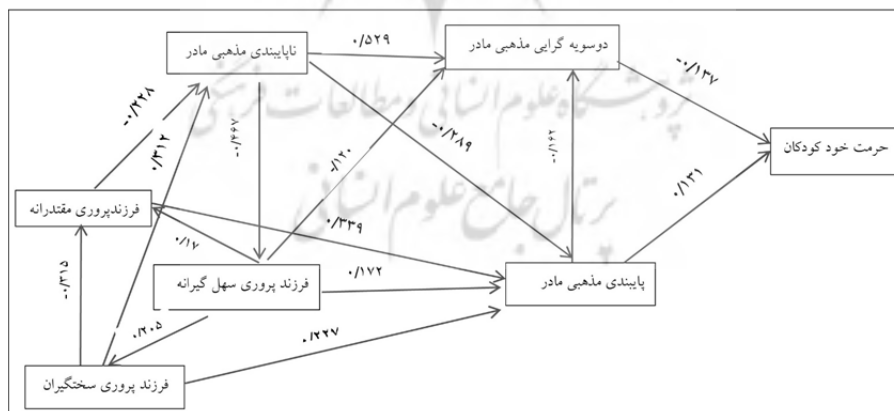
داده‌های جدول ۳، بیانگر همبستگی معکوس پایبندی مذهبی مادران با سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه ($r = -0/114$) می‌باشد که در سطح ۹۵٪ قابل اطمینان بوده است ($p < 0.05$) و همبستگی پایبندی مذهبی با سبک فرزندپروری مقتدرانه ($r = 0/380$) قابل اطمینان در سطح ۹۹٪ می‌باشد ($p < 0/1$). این رابطه نشان می‌دهد که با افزایش پایبندی مذهبی مادران، سهل‌گیری در تربیت فرزندان کاهش و اقتدارگرایی افزایش می‌یابد.

همچنین، همبستگی دوسوگرایی مذهبی مادران با سبک فرزندپروری سخت‌گیرانه ($r = 0/269$) با همبستگی قابل اطمینان در سطح 99% ($p < 0/01$) و همبستگی معکوس دوسوگرایی مذهبی با سبک فرزندپروری مقتدرانه ($r = -0/181$) با همبستگی قابل اطمینان در سطح 99% را نشان می‌دهد ($p < 0/1$). این رابطه بیانگر این است که با افزایش دوسوگرایی مذهبی مادران، سخت‌گیری آنها در تربیت فرزندان افزایش و اقتدارگرایی آنها کاهش می‌یابد.

و نیز همبستگی ناپایبندی مذهبی مادران با سبک فرزندپروری سخت‌گیرانه ($r = 0/408$) و سهل‌گیرانه ($r = 0/297$) قابل اطمینان در سطح 99% ($p < 0/01$) و همبستگی معکوس ناپایبندی مذهبی با سبک فرزندپروری مقتدرانه ($r = -0/289$) را نشان می‌دهد که این همبستگی در سطح 99% قابل اطمینان می‌باشد ($p < 0/1$). این رابطه بیانگر این است که با افزایش ناپایبندی مذهبی مادران، سخت‌گیری و سهل‌گیری آنها در تربیت فرزندان افزایش و اقتدارگرایی آنها کاهش می‌یابد؛ یعنی سبک فرزندپروری سخت‌گیر هم با ناپایبندی و هم دوسوگرایی رابطه معناداری دارند.

تحلیل مسیر

در تحلیل مسیر^۱ طبق آزمون تحلیل رگرسیون با استفاده از روش جبری^۲ بر مبنای ضرایب رگرسیون استاندارد (β_i) در سطح معناداری قابل قبول ($P < 0/05$)، از راه کنترل آماری متغیرها یعنی کنترل اثر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته می‌توان به تبیین مُدل علی^۳ در چارچوب مُدل تجربی تحقیق پرداخت (ساروخانی، ۱۳۸۷).



1. Path Analysis
2. Method: Enter
3. Causal Model

همان‌گونه که مدل بالا نشان می‌دهد تنها دو متغیر دوسوگرایی مذهبی و پابیندی مذهبی مادر به‌طور مستقیم بر حرمت خود کودک تأثیر داشته‌اند. به عبارتی دوسوگرایی مذهبی به تنهایی ۸۷/۱ درصد تغییرات انحراف معیار حرمت خود را تبیین و پابیندی مذهبی نیز به تنهایی ۷۲/۱ درصد تغییرات انحراف معیار حرمت خود را تبیین می‌کند.

متغیر ناپابیندی مذهبی از دیگر عامل‌های پابیندی مذهبی به صورت غیر مستقیم و از راه دوسوگرایی مذهبی و پابیندی مذهبی بر حرمت خود تأثیر می‌گذارد. هیچ‌یک از عامل‌های فرزندپروری به‌طور مستقیم بر حرمت خود تأثیر نمی‌گذارند. تمامی این عامل‌ها به‌طور غیر مستقیم و از راه دوسوگرایی مذهبی و پابیندی مذهبی بر حرمت خود کودک تأثیر می‌گذارند.

جدول ۴: نیکویی برآزش مدل نظری: تحلیل مسیر عوامل مؤثر بر متغیر وابسته

مجموع اثرات مستقیم و غیر مستقیم	انواع تأثیر ضرایب مسیر (β) بر حرمت خود			عوامل مؤثر بر حرمت خود	
	اثرات غیر مستقیم عوامل مؤثر بر حرمت خود کودک		اثرات مستقیم عوامل مؤثر بر حرمت خود		
	پابیندی مذهبی	دوسوگرایی مذهبی		دوسوگرایی مذهبی	پابیندی مذهبی
۰/۱۳۷			-۰/۱۳۷	۱	دوسوگرایی مذهبی
۰/۱۵۳			۰/۱۳۱	۲	پابیندی مذهبی
۰/۱۱	$-۰/۲۸۹ \times ۰/۱۳۱ = -۰/۰۴۸$	$۰/۵۲۹ \times ۰/۱۳۷ = ۰/۰۷۲$		۳	ناپابیندی مذهبی
۰/۰۴۳	$۰/۳۲۹ \times ۰/۱۳۱ = ۰/۰۴۳$			۴	سبک فرزندپروری مقتدرانه
۰/۰۳۸	$۰/۱۷۲ \times ۰/۱۳۱ = ۰/۰۲۲$	$-۰/۱۲۰ \times ۰/۱۳۷ = -۰/۰۱۶$		۵	سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه
۰/۰۳	$۰/۲۲۷ \times ۰/۱۳۱ = ۰/۰۳$			۶	سبک فرزندپروری سخت‌گیرانه
	۰/۱۳۳	۰/۱۱			جمع اثرات غیر مستقیم در هر مسیر بر حرمت خود کودک

براساس اطلاعات جدول ۴ متغیر دوسوگرایی مذهبی با ضریب $-۰/۱۳۷$ و متغیر پابیندی مذهبی با ضریب $۰/۱۳۱$ بر حرمت خود کودک تأثیر مستقیم دارند. متغیرهای پابیندی مذهبی با ضریب $-۰/۰۲۲$ ، ناپابیندی مذهبی با ضریب $۰/۰۷۲$ و متغیر سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه با ضریب $۰/۰۱۶$ از راه دوسوگرایی مذهبی بر حرمت خود کودک تأثیر غیر مستقیم دارند. متغیرهای ناپابیندی مذهبی با ضریب $۰/۰۳۸$ ، متغیر سبک فرزندپروری مقتدرانه با ضریب $۰/۰۴۳$ ، متغیر سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه با ضریب $۰/۰۲۲$ و متغیر سبک فرزندپروری سخت‌گیرانه با ضریب $۰/۰۳$ از راه پابیندی مذهبی بر حرمت خود کودک تأثیر غیر مستقیم دارند. در مجموع تأثیر مستقیم و غیر مستقیم دوسوگرایی مذهبی بر حرمت خود کودک $۰/۱۳۷$ و ناپابیندی مذهبی $۰/۱۵۳$ بوده است. در مجموع اثر غیر مستقیم متغیرها بر حرمت خود از راه دوسوگرایی

مذهبی ۰/۱۱ و از طریق پایبندی مذهبی ۰/۱۳۳ بوده است. در مجموع مشخص می‌شود که متغیر پایبندی مذهبی نسبت به دوسوگرایی مذهبی تأثیر بیشتری (اعم از مستقیم و غیرمستقیم) بر حرمت خود کودک دارد؛ اما تأثیر مستقیم دوسوگرایی بر حرمت خود کودک بیش از پایبندی مذهبی است.

بحث و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر سعی بر آن بود که دو متغیر اثرگذار و مهم «حرمت خود» کودکان به لحاظ نظری و میدانی بررسی شود. آن دو متغیر عبارت است از سبک «فرزندپروری والدین» و «پایبندی مذهبی مادران».

سؤالات پژوهش عبارت بود از:

۱. سبک فرزندپروری والدین به چه میزان حرمت خود فرزندان را پیش‌بینی می‌کند؟
۲. پایبندی مذهبی مادران به چه میزان حرمت خود فرزندان را پیش‌بینی می‌کند؟
۳. سبک فرزندپروری و پایبندی مذهبی مادران به چه میزان حرمت خود فرزندان را پیش‌بینی می‌کند؟

به‌طور کلی نتایج پژوهش حاضر بیانگر آن است که هرچه سبک فرزندپروری مادران، مقتدرانه‌تر باشد حرمت خود فرزندان افزایش می‌یابد؛ این نتیجه با یافته پژوهش (حسینیان و همکاران، ۱۳۸۶)، (رحمانی‌تبار، ۱۳۹۶)، (بورای، ۱۹۹۱؛ به نقل از حاجی‌زاده، ۱۳۸۲)، (طباطبایی، ۱۳۷۹)، (اشتنایبرگ، ۱۳۸۷)، (تایلر و همکاران، ۱۹۹۳؛ به نقل از طباطبایی، ۱۳۷۹)، (ماهونی و ویرگس، ۲۰۰۸) و (اشنایدر و دیگران، ۲۰۰۴) همسو بوده است.

در شیوه فرزندپروری مقتدرانه، والدین هم در محور پاسخگویی به کودکان و هم در محور توقع از کودکان نمرات بالایی دارند، بین میزان پاسخ‌دهی و میزان کنترل و توقع آنها تعادل وجود دارد. آنها کودکانشان را پایش و استانداردهای روشنی برای آنها تعیین می‌کنند و قاطعیت دارند، ولی خواسته خود را تحمیل نمی‌کنند و محدودکننده نیستند؛ این والدین تبادل کلامی فراوانی با فرزندان خود دارند و آنها را حمایت می‌کنند (جان‌بزرگی و همکاران، ۱۳۸۷)، این والدین در بیشتر موارد برای اجرای نظم از تشویق و استدلال استفاده می‌کنند نه انتقاد و تنبیه، این والدین علاقه و عاطفه خود را آشکارا به فرزندان نشان می‌دهند و پذیرنده و پاسخ‌دهنده هستند (استنهاوس، ۱۳۸۷)؛ به عقیده شاملو (۱۳۶۸) یکی از مهم‌ترین عواملی که تأثیر عمیقی بر حس عزت نفس کودکان و نوجوانان می‌گذارد «عشق ورزیدن» والدین به آنهاست که در این خانواده‌ها نسبت به هم ابراز می‌شود، چنانچه رفتار و سیمای والدین، گرم و صمیمی و تأییدکننده باشد و تصویر درستی از

هویت فرزندان نشان ارائه دهد، کودک از حرمت خود، جرئت و شهامت بالا بهره‌مند شده و انگیزه‌های کنجکاوانه خود را به گونه‌های مختلف و به‌طور طبیعی ارضا خواهد کرد، در مقابل طرد، بی‌محبتی، بی‌تفاوتی والدین، بی‌احترامی، تحقیر و تمسخر، سرزنش، تهدید، مقایسه، انتظار بیش از حد و بدرفتاری با فرزند با حرمت خود پایین همراه است. چنانچه رفتار والدین نامنظم و سرشار از جنبه‌های تعارض‌آمیز باشد و کودک دائماً طرد و تمسخر شود و نگرش و انتظارات منفی نسبت به او وارد شود؛ از آنجا که کودکان این‌گونه رفتارهای والدین را براساس مکانیزم درون‌فکنی، درونی و جزء خصیصه‌های شخصی خود می‌کنند، در نتیجه از حرمت خود پایین بهره‌مند خواهند شد (هنرپوران، ۱۳۸۶).

در مورد مؤلفه‌های پایبندی مذهبی، پژوهش حاضر ارتباط مستقیم و مثبت پایبندی مذهبی مادران و حرمت خود فرزندان را نشان داده است؛ به این معنا که هرچه مادران پایبندی مذهبی بیشتری داشته‌اند، فرزندان نشان از حرمت خود بالاتری دارا بوده‌اند و در برابر هرچه مادران ناپایبندتر به مذهب بوده یا مبتلای به دوسوگرایی مذهبی بوده‌اند، فرزندان نشان حرمت خود پایین‌تری داشته‌اند. این نتیجه با یافته پژوهش‌های بسیاری همسو بوده است؛ از جمله (خاکساری، ۲۰۱۲) که نشان داده بین تصور مثبت از خدا با سلامت روان و عزت نفس همبستگی وجود دارد و پژوهش (فرینگ، میلر و شاو، ۱۹۹۷) که ارتباط مثبت معناداری میان باورهای مذهبی و سلامت روان، امیدواری و سایر جنبه‌های مثبت خلق را نشان داده است؛ همچنین کامر فورد (۲۰۱۵) نیز گزارش داده است که باورهای مذهبی موجب تقویت عزت نفس و کاهش افسردگی می‌شود، ژورن و جانسون (۱۹۹۷) شرکت در فعالیت‌های مذهبی را دارای تأثیر بر سلامت روانی افراد مورد بررسی می‌داند و بر این باورند که فعالیت‌های مذهبی امید به زندگی را در آنها تقویت می‌کند.

از سویی، قرآن و پیشوایان دین مبین اسلام نیز دستورهای فراوان و دقیقی را درباره تربیت فرزندان، تکریم فرزندان، محبت و احترام به کودکان، پرهیز از سرزنش کودک و کنترل خشم در برابر فرزندان بیان کرده‌اند که از جمله آن فرمایشات بسیار زیاد، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. در هندسه معرفتی قرآن، اصل «کرامت انسان» که ناشی از مقام خلیفه الهی اوست، زیرساختی‌ترین اصل تربیتی است،^۱ بنابراین تمامی هنجارها و رفتارهای تربیت‌ساز کودک و نوجوان می‌بایست مبتنی بر این نگاه صورت پذیرد؛
۲. پیامبر خدا هرگاه به کودکان می‌رسیدند، بر آنها سلام می‌کردند؛ این رفتار پیامبر خدا به روشنی احترام ایشان به کودکان و تکریم آنها را نشان می‌دهد؛

۱. إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَ إِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيُسْوَا وَ جُوهَكُمْ وَ لِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَ لِيُبَيِّنُوا مَا كَلَّمُوا تَتَّبِعُوا (اسراء، ۷).

۳. امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «رحمت خدا به کسی که فرزندش را در نیکی‌ها کمک کند، راوی پرسید چگونه او را در نیکی‌ها کمک کند؟ امام فرمود: آنچه را در توان اوست و انجام می‌دهد، بپذیرد و از کارهای دشوار بگذرد و از وی تکلیفی فراتر از توانش نخواهد و به او بی‌احترامی نکند» (کلینی، ۱۴۲۹):

۴. امام صادق (علیه السلام) فرمود: «مردی به خدمت پیامبر خدا رسید و گفت: هرگز کودکی را نبوسیدم، وقتی آن مرد از پیامبر دور شد، پیامبر خدا فرمود: این شخص از نظر من از اهل آتش است»؛
 ۵. امام علی (علیه السلام) فرمود: «هنگامی که کودک و نوجوانی را به سبب رفتار نابهنجارش نکوهش می‌کنی مراقب باش که بخشی از آن را نادیده انگاری و از تمام جهات مورد اعتراض و توبیخ قرار ندهی تا او احساس نکند طرد شده است، زیرا این احساس سبب می‌شود در رفتارش لجاجت و سماجت به خرج دهد» (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴):

۶. امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «با خشم تربیت ممکن نیست»؛
 ۷. امام علی (علیه السلام) در جای دیگر فرمود: «عدالت را بر خشونت مقدم کن تا به محبت دست پیدا کنی و آنجا که سخن تأثیرگذار است، دست به کار دیگری مزن».

بنابراین روشن است که هرچه والدین پایبندی بیشتری به دین اسلام داشته باشند و طبق توصیه‌های این دین شریف عمل کنند، سبک تربیتی آنها به سبک فرزندپروری مقتدرانه نزدیک‌تر خواهد بود (محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۳)؛ پژوهش حاضر نیز در نهایت با محاسبه همبستگی میان عوامل سبک فرزندپروری و مؤلفه‌های پایبندی مذهبی همین نتیجه را نشان داده است. در حقیقت هرچه والدین پایبندی بیشتری به مذهب داشته‌اند بیشتر از سبک فرزندپروری مقتدرانه استفاده کرده‌اند، همچنین پژوهش حاضر این‌طور نشان می‌دهد که ناپایبندی مذهبی با دو سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه و سخت‌گیرانه ارتباط مثبت معناداری داشته است.

نتایج بیان شده با یافته پژوهش‌هایی همچون پژوهش امیری و همکاران (۱۳۹۵) همسو بوده است؛ آنان نتیجه‌گیری کرده‌اند که شیوه فرزندپروری مقتدرانه رابطه معناداری مستقیم با نگرش مذهبی و هوش هیجانی دارد؛ با پژوهش علم‌الهدی و میری (۱۳۹۵) نیز همسو است؛ آنان نشان داده‌اند که عوامل مذهبی بودن والدین در شکل‌گیری سبک تربیتی مداخله می‌کند و نیز اینکه شرکت‌کنندگان سبک مقتدرانه در تربیت فرزندانشان بیشتر تحت تأثیر اعتقادات و باورهای دینی خودشان قرار دارد و همچنین والدینی که از اعتقادات و باورهای دینی قوی‌تری برخوردارند، در تربیت فرزندانشان از سبک مقتدرانه بهره می‌برند. صادقی و همکاران (۱۳۸۶) نیز در پژوهش خود این‌طور نشان داده‌اند که میانگین نمرات جهت‌گیری مذهبی درونی مادران در سبک تربیتی مقتدرانه در مقایسه با سایر سبک‌ها بالاتر است؛ پژوهش غلامی جلسه (۱۳۸۶) نیز نشان داده

است والدینی که جهت‌گیری مذهبی بیشتری دارند در تربیت فرزندان خود از سبک مقتدرانه استفاده می‌کنند.

یافته مهم این پژوهش را می‌توان با توجه به الگوی تحلیل مسیر بیان کرد و هرچند پژوهش‌ها نشان می‌دهند که سبک فرزندپروری عامل مهمی در تربیت کودکان است، اما خود این متغیر تا حد زیادی متأثر از پایبندی مذهبی است؛ بدین معنا که پایبندی مذهبی سبک مقتدرانه را تقویت کرده و آن به نوبه خود بر حرمت خود کودکان اثر گذاشته است، زیرا اثر پایبندی مذهبی بر حرمت خود مستقیم بوده است و اثر سبک فرزندپروری غیر مستقیم؛ بنابراین به نظر می‌رسد پایبندی مذهبی نقش علی در اینجا ایفا می‌کند. اثر مستقیم دوسوگرایی بر کاهش حرمت خود این یافته را برجسته‌تر می‌کند.

در نهایت با توجه به موارد بیان شده، پژوهش حاضر نشان می‌دهد که هرچند سبک فرزندپروری مقتدرانه سبب افزایش حرمت خود در فرزندان می‌شود، باید این اثر را بیشتر مدیون پایبندی مادران بدانیم و نیز ناپایبندی و دوسوگرایی ضمن آسیب رساندن به سبک فرزندپروری و بردن این سبک در حیطه سخت‌گیری و سهل‌گیری، حرمت خود کودکان را که مهم‌ترین سرمایه انسان برای تنظیم هیجانی و پیشبرد اهداف زندگی است، کاهش می‌دهد.

منابع

۱. ابن‌ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبه (۱۴۰۴)، شرح نهج‌البلاغه، به کوشش ابراهیم محمد ابوالفضل، قم: مکتبه آیت‌الله مرعشی نجفی.
۲. امیری، منیره؛ آناهیتا خدابخشی کولای و ذبیح پیرانی (۱۳۹۵)، «تأثیر شیوه‌های فرزندپروری ادراک شده بر نگرش مذهبی و هوش هیجانی دانش‌آموزان دختر»، نشریه خانه، دوره ۲، ش ۲.
۳. استن‌هاوس، گلن، ۱۳۷۸، کلیدهای پرورش اعتماد به نفس در کودکان و نوجوانان، تهران: صابرین.
۴. اشتاینبرگ، لارنس (۱۳۸۷)، ده اصل ثابت فرزندپروری، تهران: رشد.
۵. باعزت، فرشته و بهرام صالح صدق‌پور (۱۳۸۷)، «مقایسه ابعاد حرمت خود در دانش‌آموزان نارساخوان و عادی پایه سوم تا پنجم ابتدایی شهر تهران»، مطالعات روان‌شناختی، س ۴، ش ۴.
۶. جان‌بزرگی، مسعود (۱۳۸۶)، «جهت‌گیری مذهبی و سلامت روان، پژوهش در پزشکی»، (مجله پژوهشی دانشکده پزشکی) دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید بهشتی، ش ۴.
۷. جان‌بزرگی، مسعود و همکاران (۱۳۸۷)، آموزش اخلاق رفتار اجتماعی و قانون‌پذیری به کودکان، تهران: ارجمند.
۸. جان‌بزرگی، مسعود و ناهید نوری، (۱۳۹۴)، شیوه‌های درمانگری اضطراب و تنیدگی، تهران: سمت.
۹. حاجی‌زاده، خلیل (۱۳۸۲)، بررسی و مقایسه رابطه بین میزان سلامت روانی و عملکرد تربیتی فرزندان ارشد دختر و پسر خانواده‌های مناطق جنوبی شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات.
۱۰. حسینیان، سیمین؛ مه‌سیما پورشهریانی و فاطمه نصرالله کلانتری (۱۳۸۶)، رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری مادران و عزت نفس دانش‌آموزان شنا و ناشنوا، تهران: نشر دیدار.
۱۱. رحمانی‌تبار، قادر (۱۳۹۶)، رابطه شیوه‌های فرزندپروری با اعتماد به نفس در دانش‌آموزان، سومین کنفرانس بین‌المللی رویکردهای نوین در علوم انسانی.
۱۲. رئیس‌یان‌زاده، جعفر (۱۳۸۹)، رابطه بین جهت‌گیری مذهبی والدین و شیوه‌های فرزندپروری آنها و تأثیر آن بر تحول روانی اجتماعی فرزندان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشکده علوم تربیتی دانشگاه شهید بهشتی.

۱۳. ساروخانی، باقر (۱۳۸۷)، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۴. شاملو، سعید (۱۳۹۲)، بهداشت روانی، تهران: انتشارات رشد.
۱۵. شاملو، سعید (۱۳۶۸)، مکتب‌ها و نظریه‌ها در روان‌شناسی شخصیت، تهران: انتشارات رشد.
۱۶. شولتز و شولتز (۱۳۹۲)، نظریه‌های شخصیت، ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران: ویرایش.
۱۷. صادقی، منصوره سادات؛ محمدعلی مظاهری و محمود حیدری (۱۳۸۶)، «بررسی رابطه سبک‌های تربیتی و تربیت دینی با میزان مذهبی بودن والدین»، دوفصلنامه مطالعات علمی اسلام و روان‌شناسی، س ۱، ش ۱.
۱۸. طباطبایی، سیدمحمد (۱۳۷۹)، بررسی رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری مادران با بهداشت روانی فرزندان در دانش‌آموزان دختر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، وزارت آموزش و پرورش، اداره کل تربیت معلم و آموزش نیروی انسانی، دانشکده مدیریت و برنامه‌ریزی.
۱۹. علم‌الهدی، جمیله و مهوش میری (۱۳۹۵)، «بررسی عوامل مؤثر در شکل‌گیری سبک‌های فرزندپروری در خانواده‌های شهرستان اندیمشک»، دوفصلنامه علمی ترویجی علوم تربیتی از دیدگاه اسلام، س ۴، ش ۶.
۲۰. غلامی جلیسه، سمیه (۱۳۸۶)، «نقش جهت‌گیری مذهبی والدین در سبک‌های فرزندپروری و خشونت خانوادگی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشکده روان‌شناسی دانشگاه تهران.
۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹ق)، اصول کافی، تهران: انتشارات مکتبه الاسلامیه.
۲۲. لطف‌آبادی، حسین (۱۳۸۰)، روان‌شناسی رشد ۶، تهران: انتشارات سمت.
۲۳. محمدی‌ری‌شهری، محمد و عباس پسندیده (۱۳۹۳)، حکمت‌نامه کودک، قم: دارالحدیث.
۲۴. هنرپروران، نازنین (۱۳۸۶)، مبانی بهداشت روان، تهران: بُشری.
25. Bornstein, M. H., Diane L. Putnick, Jennifer E. Lansford, Suha M. Al-Hassan, Dario Bacchini, Anna Silvia Bombi, Lei Chang, Kirby Deater-Deckard, Laura Di Giunta, Kenneth A. Dodge, Patrick S. Malone, Paul Oburu, Concetta Pastorelli, Ann T. Skinner, Emma Sorbring, Laurence Steinberg, Sombat Tapanya, Lilliana Maria Uribe Tirado, Arnaldo Zelli, and Liane Pena Alampay. (2017), 'Mixed blessings' Parental religiousness, parenting, and child adjustment in global perspective. *J Child Psychol Psychiatry*. 2017 Aug; 58 (8): 880-892.
26. Bartkowski JP, Xu X, Levin ML. Religion and child development: Evidence from the Early Childhood Longitudinal Study. *Social Science Research*. 2008; 37: 18-36. doi: 10.1016/j. ssresarch. 2007.02.001. [CrossRef] [Google Scholar]

27. Comerford, J., et al, 2015, Academic Buoyancy in Second Level Schools: insights from Ireland. *Procardia, Social and Beharioural Sciences*, 197, 98-103.
28. Demaris A, Mahoney A, Pargament KI *J Marriage Fam*. 2011. Doing the Scut Work of Infant Care: Does Religiousness Encourage Father Involvement? *Apr*; 73 (2): 354-368.
29. Dollahite DC. Fathering, faith, and spirituality. *Journal of Mens Studies*. 1998; 7: 3-15. doi: 10.3149/ jms. 0701.3. [CrossRef] [Google Scholar].
30. Duriez B, Soenens B, Neyrinck B, Vansteenkiste M. Is religiosity related to better parenting? Disentangling religiosity form religious cognitive style. *Journal of Family Issues*. 2009; 30:1287-1307. doi: 10.1177/0192513X09334168. [CrossRef] [Google Scholar].
31. Fehring R., Miller G., Shaw C., Spiritual Well-bing, religiosity, hope, depression and other mood states in elderly people coping with cancer, *oncology nursing Fourm* 1997; 24, 663-671.
32. Khaksar iz, khosravvi iz, god and his positiv and negativ thought and its relationship with self esteem and mental health of students, *psychology and Religion* 2012 vol 5 no 2, 83-95.
33. Mahoney A, Pargament K, Tarakeshwar N, Swank A. Religion in the home in the 1980s and 1990s: A meta-analytic review and conceptual analysis of links between religion, marriage, and parenting, *Psychology of Religion and Spirtuality*, S(1) 2008: 63-101. doi: 10.1037/1941-1022.S.1.63. [PubMed] [CrossRef] [Google Scholar].
34. Mandara ,k.c.(2010).Teacher and child variables as predictors of academic engagement among law-income African American children. *Psychology in the Schools.*, 39 (4), 477-487.
35. Park HS, Bonner P. Family religious involvement, parenting practices and academic performance in adolescents. *School Psychology International*. 2008; 29:348-362. doi: 10.1177/0143034308093677. [CrossRef] [Google Scholar]
36. Snider JB, Clements A, Vazsonyi AT. Late adolescent perceptions of parent religiosity and parenting processes. *Family Process*. 2004;43:498-502. doi: 10.1111/j. 1545-5300.2004.00036.x. [PubMed] [CrossRef] [Google Scholar].